

تازه‌های نشر

هربرت فون کارایان: زندگی با موسیقی

مؤلف: استفان د. چاکوین Stephen D. Chakwin

چاپ: مارچ - فروردین - ۲۰۰۰



ناشران آمریکایی تقریباً هر چیزی که فروش کند را به انتشار می‌رسانند، و مهم نیست که چقدر ساده‌انگارانه باشد. (دنیایی را تصور کنید که در آن اسطورهٔ maestro می‌تواند جدی گرفته شود، البته تنها به واسطهٔ ناشرانش)، ولی کسی مانند آلبریچ نیبلونگر Alberich Nibelungs از فکر انتشار این کتاب در این کشور اجتناب کرد. به هر حال کارایان در مناسبات موسیقی به عنوان مهم‌ترین رهبر ارکستر نیمهٔ پایانی قرن بیستم شناخته می‌شود. نه فقط به این خاطر که او حرفه‌ای‌ترین یا بهترین درک‌کنندهٔ موسیقی بود (هر چند که ممکن است هر دو بوده باشد)، بلکه به این سبب که او راهی خلق کرد که ما موسیقی را بشنویم و بفهمیم.

او در بهترین آثار خودش قدرت موزون توسکانی را با ادراک صوت ارکستری فورت وانگلر Furt Twangler ترکیب کرد. پس از کارایان بعید است که رهبران ارکستر که بخیلانه موسیقی را تنظیم کردند، توسط شنوندگان دقیق و اعضاء ارکستر جدی گرفته شوند. هر رهبر ارکستری که امروز مشغول کار است و امدار کارایان است، چه اعتراف بکند و چه نکند، این برتری از کجا می‌آید؟ چه جریانی کارایان را به این جا هدایت کرد؟ زندگی‌نامهٔ او می‌تواند در این باب و در باب این که موسیقی چگونه ساخته و شنیده می‌شود به ما بیاموزاند. وقایع ظاهری زندگی کارایان به عنوان یک بازی اخلاقی تعبیر می‌شود. در حدود سال ۱۹۴۲ همه دریافتند که او نمی‌خواهد یک عضو متملق باشد. او از نظر شغلی دچار مشکل شد و هیتلر نشان می‌داد که نمی‌خواهد در هیچ یک از اجراهای او ظاهر شود. در دوران نازی او هرگز به یک استقرار شغلی نرسید و دچار تزلزل شد و علی‌رغم استعداد فراوانش، به وضعیت گذشته به عنوان یک موسیقی‌دانان برنگشت.

ترجمه: دکتر مسعود بیجا و پنج

بعد از جنگ عده‌ای از بدخواهان بر او برچسب ناشایست نازی را چسباندند. پاول مور Moor Paul کسی بود که تلاش کرد از طریق مطبوعات و از طریق مقاله‌ای که اخیراً نوشته کارایان را عضو نازی‌ها بنامد. عضوی غیر فعال که در اواخر به این گروه ملحق شد و کار مهمی انجام نداد. عضویت کارایان در حزب نازی از عضویت شوستاکوویچ، ایستراخ، ریشر یا روستروپوویچ در حزب کمونیست روسیه مهم‌تر نیست.

در قسمتی از این کتاب، به نظر می‌رسد که خود کارایان نمود داده می‌شود: با استعداد، آشکارا جاه‌طلب و بی‌علاقه به عمل و به هر حال با نفوذ و اشتیاق او بعد از نازی‌ها برای یافتن راهی جهت ساختن موسیقی بدون دخالت دیگران (که به قدرت دیوانگی تعبیر شد) و اشتیاقش به رسیدن به راهی مالی (که به حرص و طمع تعبیر شد) و علاقه‌اش به حضور (که به خودبینی تعبیر شد) همه از زندگی او یک تراژدی ساخت. بنابراین کارایان که در اینجا خیلی دقیق توصیف شده توانست محیطی موسیقایی در برلین برای خود بسازد؛ جایی که او یک ارکستر خارجی استخدام کرد و آنها را پرورش داد و به صورت گروهی بی‌نظیر در تاریخ موسیقی درآورد. فیلامونیک برلین گروهی برای اجرا و آموزش بود، جایگاهی مرکزی برای ارکستر و نمونه‌ای برجسته که کارش با جاهای دیگر قابل مقایسه نبود.

در دنیایی که ارکسترهای حرفه‌ای شامل کار جمعی نوازندگان می‌شد، ارکستر کارایان، شامل تک‌نواها بود. چرا فیلامونیک برلین سر آخر از مخالفت با او دست برداشت؟ زیرا نوازندگان در سایه مجموعه‌ای که او ساخت و نیز اصرارش برای آموزش تمام نوازندگان در هر رشته‌ای، به ارزش خود پی‌بردند. ارکستر به این صورت تمامی مقاصد رهبر ارکستر را پذیرفت و همان‌طور که اشاره کردم در راه خود به خوبی پیش رفت تا به ارکستری فوق‌العاده بدل شد.

معلوم است که داستان به این شکل وجود دارد. اما آسپورن آن را چه اندازه خوب بازگو کند؟ او داستان بیگانگان را منصفانه تعریف می‌کند. کار خوب او طرح نکات عمده دوره زندگی و شغل کارایان است. ما کارایان را اعجوبه، جوان، با استعداد و خالق اثر تماشایی Philharmonia Legge's می‌بینیم. کارایان را در برلین، وین و نیز ماجراهای او را در آمریکا دنبال می‌کنیم؛ رقابت او با برنشتاین، دوستی و تلاشش برای پیش بردن کار مدیران جوان را در استودیوی ضبط ببینیم. بنابه یک الگوی عمومی در باب موسیقی‌دان‌ها، کارایان هم از خلال بالا رفتن سنش قدرت هنری و بیش‌از پیشرفت کرد. ولی احاطه تکنیکی (با حداقل احتیاجش به اثبات آن) کمتر شد. برخی اجراهای فوق‌العاده او از مالر، کنسرت جادویی سال جدید همه در سال‌های آخر کارش پدید آمدند. هنوز منتقدانی که به موسیقی کارایان گوش می‌دادند، فقط ظاهری صیقلی را می‌شنیدند. ضعف این اجراها فقط در ظاهر آنها بود. دید عمیق موسیقایی در بینش ظاهری‌اش کم حس می‌شود.

این کتاب به عنوان یک شرح زندگی، می‌تواند ما را مأیوس کند. کارایان که بود؟ زندگی داخلی او چگونه بود؟ چه چیزی برای او اهمیت داشت؟ او با اتفاقاتی که برایش می‌افتاد چگونه برخورد می‌کرد؟ این سؤال‌ها در کتاب آسپورن بدون جواب می‌ماند. شما هرگز در این کتاب طولانی آگاه نمی‌شوید که آیا کارایان هرگز یک کتاب خواننده یا نه، یا چه عقایدی او را به حرکت درمی‌آوردند. و یا آیا او زیاد فکر می‌کرد؟ آسپورن یک بار به طور گذرا ذکر می‌کند که ورود کارایان به

عالم موسیقی غیر استدلالی و حسی بود. این چه معنی می‌دهد؟ آن تیزبینی و بصیرتی که آبسورن در تجزیه اجراها به کار گرفته، درباره زندگی فردی آدم‌ها دیده نمی‌شود.

اگر دارایی قدرت شنوایی خوب و ادراک موسیقی باشید از اجرای کارایان از بتهوون، پروکلیف، شوستاکوویچ، سمفونی چهار، آپولوی استراوینسکی و... بیشتر درباره زندگی کارایان آگاهی خواهید یافت تا از این کتاب.

این کتاب همچنین تلاش می‌کند تا سستی و ناخالصی کسانی را که سعی کردند به کارایان انگ نازی بودن بزنند و از زندگی هنری کشورش دور دارند، آشکار کند. به هر حال احتمالاً این بهترین بیوگرافی کارایان است؛ چرا که هیچ زندگی‌نامه‌نویسی بعدها اطلاعاتی که آبسورن خودش از کارایان به دست آورده بود، در اختیار نخواهد داشت. افسوس که او بهتر عمل نکرد. آن را بخوانید و بدانید که به واسطه ناداشته‌های کتاب احساساتان ناکامل خواهد ماند.

شارل آیوز: زندگی با موسیقی

مؤلف: جودیت تیک Judith Tick

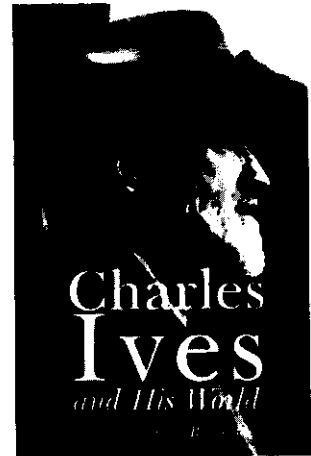
چاپ: تابستان ۱۹۹۹ - نیویورک

رمز و راز زندگی شارل آیوز و موسیقی‌اش همچنان برای نسل موفق استادان و نویسندگان فریبنده است؛ با نگاهی به بازتاب در ادبیات چنان که هست، می‌توان دریافت که چگونه نیازها و مأموریت‌های متغیر، دانش آیوز را در جهات مختلف هدایت کرده است. در سرازیری گرداگرد والدن پوند Walden Pond، به سوی جبهه آوان گارد، و حالا به طرف شاهراه اصلی اروپا.

در اولین گام کشف او، حوالی ۵۵ - ۱۹۲۵، موسیقی‌دان‌ها و نمایش‌گرانی که مدافع مدرنیسم آغازین موسیقی آمریکا بودند، از آیوز هم دفاع کردند. زندگی‌نامه سیدنی و هنری کاول Cowell که این دفاع را در زمان زندگی‌شان به اوج رساندند، در ۱۹۵۰ پدیدار شد، زمانی که مدرنیسم بعد از جنگ (هم در اروپا و هم در آمریکا) با موفقیت ادعاهای مدرن خود را اثبات کرده بود.

مرحله بعدی ۸۰ - ۱۹۵۵، مربوط است به ادبیات پس از مرگ آیوز. در دهه ۱۹۷۰ - طی سال - هایی سرشار از پول که دارایی دولت فدرال صرف تحقیقات درباره فرهنگ آمریکا شد - از سر خوش اقبالی یادبود صدسالگی آیوز (۱۹۷۴) با دویست سالگی اعلام استقلال قرین شد. تحول پروژه تاریخ شفاهی، کنفرانسی جهانی در مرکزی تازه تأسیس برای مطالعات درباب موسیقی آمریکایی، سه زندگی‌نامه جدید و شروع یک طرح Gesamtausgabe همگی کمک کردند تا آشکار شود آیوز چه میزان از خلال قاب سنت‌های کلاسیک فرهنگ آمریکا بهره برده است.

از حدود ۱۹۸۰، دانش جاری جهات جدیدی را ترسیم کرد. در کتاب همه ساخته Tunes (و دو



... در مورد ...